



تحقیق در هنرها و تحقیقات عمل محور

مجید حیدری

عضو هیأت علمی گروه هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

تعریف از تحقیق و دانش در چند دهه گذشته شاهد تغییراتی بوده است. «پرخش عملی» اصطلاحی است که اشاره دارد به تغییر دیدگاه در نظریات دانش و تولید دانش. در گذشته بیشتر جنبه نظری دانش مورد توجه بود و تحقیقات با روش‌های سخت گیرانه کمی و یا کیفی انجام می‌شد و در نتیجه دانش تولید شده مبتنی بر متن، گزاره، چستی و یا چرایی یک موضوع بود. امروزه تحقیقات از روش‌های ترکیبی استفاده می‌کنند و دانش تولید شده مبتنی بر کنش، عمل و پرسش از چگونگی انجام یک کار، موضوع یا برنامه است. عده‌ای از صاحب نظران بر آن هستند تا با وسعت بخشیدن به معنای تحقیق و ارائه تعاریف عملی‌تر از دانش، فعالیت‌های متنوعی را در دایره تحقیق و تولید دانش بگنجانند. مفهوم جدید «تحقیق هنری» نتیجه این دست تلاش‌ها است. باید توجه داشت که تحقیق درباره هنر، برای هنر و بوسیله هنر سه گونه متمایز تحقیق هستند. این مقاله به معرفی این سه گونه تحقیق می‌پردازد و با استفاده از دستاوردهای علمی منتشر شده در دانشنامه راتلج درباره تحقیق در هنرها مفاهیم جدیدی که در این دانشنامه ذکر شده است را معرفی می‌کند. از این رو «تحقیق هنری» آن دست از تحقیقات هستند که هنرمند-محقق سوال، هدف، روش، فرضیات و مبانی نظری خاصی را مد نظر قرار نمی‌دهد بلکه از اصول تحقیقات علمی و روش‌های آن در جهت یافتن بهترین شکل بیان هنری خود سود می‌جوید. نتیجه اینچنین تحقیقی یک اثر هنری است به‌مراه یک گزارش مکتوب از روند انجام کار که دانش تجربی کسب شده در این فرایند را مستند کرده است. محقق-هنرمند در این مسیر یک «مطالعه بینشی» انجام می‌دهد و به «پیشرفت هنری» دست پیدا می‌کند.

کلید واژه‌ها: تحقیق در هنر، تحقیق عمل محور، تولید دانش، پیشرفت هنری



نقش خراساد در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مقدمه

در چند دهه اخیر معنای تحقیق و دانش دچار تغییرات عمده‌ای شده است و شیوه‌های گوناگونی برای انجام تحقیق و تولید دانش پیشنهاد شده. پیش از این، کتاب‌های روش‌شناسی تحقیق در علوم انسانی متمرکز بر روش‌های کمی بود و محققین سعی داشتند رابطه بین متغیرهای گوناگون را با انواع روش کمی مورد مطالعه قرار دهند. امروزه روش‌های کیفی و ترکیبی با استقبال بیشتری روبرو هستند و تحقیقات بسیاری با استفاده از روش‌های روایی، مستند سازی کیفی، مصاحبه و پرسشنامه انجام می‌شوند.

همچنین وسعت و تنوع منابع بر روی شبکه اینترنت موجب شده است که تحقیق در سطوح و با اهداف مختلفی ممکن باشد. امروزه سرجمع کردن و تنظیم منابع یا مرور و ارائه گزارش از منابع، خود می‌تواند یک تحقیق مستقل تلقی شود. از سوی دیگر تحقیقات در مواردی با آنچه امروز «تولید محتوا» خوانده می‌شود، هم‌پوشانی یافته است. تحقیقات بسیاری جهت جذب مخاطب، پر کردن خلاء دانش مخاطب و در مواردی جهت متقاعد کردن وی به خرید به صورت جدی از سوی مراکز تجاری انجام می‌شود. این دست تحقیقات، چریکی^۱ خوانده می‌شوند و شامل مراحل و روش خاصی نیستند و تنها برای رسیدن به یک سری نتایج ملموس و قابل اعتنا جهت انجام یک پروژه به کار می‌روند.

تحقیق در هنرها نیز از این تغییرات به دور نبوده است. در دهه اخیر با رشد تعداد دانشگاه‌هایی که در مقاطع مختلف تحصیلی خدمات آموزشی ارائه می‌دهند، تولید تحقیقات هنری در ایران بالا رفته است. مهمترین قالب‌های تولید تحقیق در این زمینه پایان نامه و مقاله در مجلات با رتبه‌های علمی مختلف است. جدا از بحث کیفی این پایان نامه‌ها و مقالات باید اذعان کرد که تعداد کثیری از دانشجویان و اساتید دانشگاهی درگیر انواع تحقیق در هنرها هستند و سعی می‌کنند تولیدات خویش را در مجلات مختلف داخلی و خارجی به چاپ برسانند.

نکته قابل توجه این است که تغییرات ایجاد شده در معنا، سطح و اهداف تحقیق در هنرها، بیشتر مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرد و ضرورت همگام شدن با این تغییرات از سوی نهادهای مختلف دانشگاهی و تحقیقاتی درک نمی‌شود. به عبارت دیگر، دانشگاه‌ها و یا مجلات علمی هنوز انتظار دارند که نتیجه هر نوع تحقیق در هنرها تنها در قالب مقاله و یا پایان نامه گزارش شود. همچنین نهادهای علمی و دانشگاهی که در ایران به ارزیابی اساتید و هنرمندان می‌پردازند در اکثر موارد شیوه‌نامه‌هایی برای ارزیابی استفاده می‌کنند که به روز نشده و به همین دلیل بسیاری از فعالیت‌ها در زمینه هنر را نمی‌تواند پوشش دهند. به عبارت دیگر، بسیاری از فعالیت‌های یک محقق در زمینه هنر و یا یک هنرمند که در قالب مقاله علمی یا دانشگاهی نیست در ارزیابی دانشگاهی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

به نظر این یک تعارض است که هنر در دانشگاه‌ها تدریس شود و موضوع مطالعات نظری قرار بگیرد اما همچنان به این باور بود که هنر در دل خود نوعی از دانش را به همراه نمی‌آورد. همچنین هنرمندان مجبور هستند که با ملاک‌ها و استانداردهای تحقیقات علمی خود را منطبق کنند اما هیچ امکانی برای ثبت و ضبط دانشگاهی دانش و تجربه خود نداشته باشند.

^۱ Guerrilla research



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

در صورتی که اگر معنای پژوهش به خصوص در زمینه هنرها مورد بازبینی قرار بگیرد، دریچه‌های جدید برای ثبت و ضبط انواع فعالیت‌های افراد فعال در این زمینه گشوده می‌شود. همچنین افراد دخیل در این حوزه تشویق خواهند شد که به فعالیت‌های مختلف بپردازند.

از این رو ضرورت دارد در این نوشته به چند اصطلاح مهم اشاره شود که جزء آخرین یافته‌ها در زمینه تحقیق در هنرها هستند. مبنای نوشته حاضر کتاب دانشنامه تحقیق در هنرها است که انتشاراتی راتلج به سال ۲۰۱۱ به چاپ رسانیده. این دانشنامه شامل ۲۳ مقاله است که در سه بخش اصلی تقسیم بندی شده: اصول، نظرات و زمینه. در سطور پیشرو سعی کرده‌ام مهم‌ترین مسائل بخش اول یعنی «اصول» را گزارش کنم و با توجه به تجربه‌ای که در پی سالها تدریس و تحقیق در زمینه هنر کسب کرده‌ام، موضوعات و مفاهیمی که در بخش اول کتاب درباره تحقیق‌های هنری ذکر شده است را بومی سازی کنم.

بخش اول دانشنامه «تحقیق در هنرها» شامل ۷ مقاله است. در مقاله اول، ضرورت تغییر در سیاست‌های مراکز دانشگاهی نسبت به تحقیقات هنری مطرح شده و ضمن ارائه تعریف مختصری از تحقیقات هنری نویسنده تجارب کشورهای مختلف در زمینه برخورد با هنر و تحقیقات هنری را گزارش می‌کند. در مقاله دوم با انواع تحقیق و همچنین انواع تحقیق هنری آشنا می‌شویم. سپس معنای «تولید دانش» بحث می‌شود به خصوص دانشی که در تولیدات و تحقیقات هنری وجود دارد. در سه مقاله آخر هم با مفهوم جامعه علمی و هنری، شناخت هنری، آثار هنری و ارزشهای مربوط به هر کدام آشنا می‌شویم. همچنین در این میان به سوالات مهمی پاسخ داده می‌شود از جمله اینکه سیاست‌های دانشگاه‌ها در زمینه تحقیق در هنرها، ارزیابی اساتید هنری و اعطای مدرک دانشگاهی به هنرمندان باید به چه شکلی باشد.

تحقیقات عمل محور

کلومارک (۲۰۱۱)^۲ در مقاله‌ای با عنوان **سیاست‌های دانشگاه‌ها و تحقیقات عمل محور** این پرسش کلیدی را مطرح کرده است که اگر تحقیق در معنای کلاسیک، پایه‌ای برای آموزش و پرورش در دانشگاه‌ها باشد، مترادف آن در آموزش هنر چیست؟ در پاسخ به این پرسش، نویسنده مفهوم تازه‌ای را مطرح می‌کند یعنی «پیشرفت هنری». این واژه به این معنی است که هنرمندان در طول تحصیل خود در مراکز دانشگاهی بخش عمده‌ای از وقت خویش را صرف دروس عملی و تجربی می‌کنند؛ تجاربی که شامل کار با فرم‌ها و تکنیک‌های مختلف بیان هنری است. به گمان نویسنده برخی از این تجارب را می‌توان نوعی از تحقیق به حساب آورد. در جهت رسیدن به یک تعریف مشخص از «پیشرفت هنری» مراکز دانشگاهی نیازمند اصلاحات ساختاری هستند تا بتوانند میزان «پیشرفت هنری» را مشخص کنند. این چنین تجربه‌ای، یک فرایند آموزشی و پرورشی است که هنرمند در آن به تجارب جدیدی در زمینه بیان هنری و زیبایی شناختی دست می‌یابد و سعی می‌کند این تجارب را در قالب اثر هنری به همراه یک گزارش مکتوب از روند تغییر و تحولات روحی، فرم‌های بیانی و در نهایت شکل گیری اثر ارائه دهد.

^۲ جهت دسترسی به ترجمه کامل این مقاله رجوع کنید به: کلومارک، تورستن. (۱۳۹۹). سیاست‌های دانشگاه‌ها و تحقیقات عمل محور. ترجمه: نقوی، مهسا. حیدری، مجید. مطالعات هنرهای زیبا. شماره ۲/۴



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

در چنین رویکردی تلاش می‌شود که معنای «تحقیق و دانش» وسیع شود به شکلی که انواع مختلفی از فعالیت‌ها را پوشش دهد. به این شکل، تحقیق تنها نتیجه مرور منابع نظری، ثبت و ضبط تاریخی و یا مطالعه رابطه دو متغیر نیست، بلکه معنایی زنده و امروزی به تحقیق و دانش اضافه می‌شود که دربرگیرنده تجارب هنری بکر و سازنده است که محصول اثر هنری است به همراه گزارشی مکتوب از روند انجام کار.

کلومارک (۲۰۱۱) در مقاله خود پس از مرور ساختار چند دانشگاه در کشورهای مختلف به سندی اشاره می‌کند با عنوان «راهنمای ملی اجرای مناسب برنامه‌های PhD ویرایش دوم» که در کشور ایرلند انجام شده است. به ادعای نویسنده این سند، مثال بسیار خوبی به دست می‌دهد از رویکرد سیستماتیک به مسائل تضمین کیفیت در حیطه هنر در ارتباط با موضوعات مشخصی همچون درک تحقیق عملگرایانه در زمینه آن، شرایط و ساختارهای برنامه‌ریزی برای هنر، چالش‌های نظارتی، محیط تحقیقاتی، ارائه تحقیق و ارزیابی، تعیین اصول اجرایی مناسب و حرکت در مسیر آن و همچنین سود اقتصادی این دست تحقیقات.

این سند می‌تواند الگوی اولیه و راهگشا برای تحقیقات هنری در ایران باشد و در صورتی که بومی سازی شود، می‌تواند گام موثری در اصلاحات ساختاری در آموزش و پرورش دانشگاهی و تحقیقات هنری باشد. این دست اصلاحات ساختاری، می‌تواند زمینه را برای انواع تحقیق بگشاید و تحقیق در هنرها در کنار تحقیق از راه هنر و تحقیق با هنر قرار دهد.

کیورپ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان **درخواست برای کثرت‌گرایی؛ تحقیقات هنری و دیگر تحقیقات** انواع تحقیق را معرفی می‌کند و سعی دارد تعریف دموکراتیکی از تحقیق ارائه دهد. به گمان وی تحقیقات هنری به هر نوع تحقیق و توسعه (هر نوعی از تولید یا استفاده بدیع و انتشار دانش) اطلاق می‌شود که هنرمندان آن را به عنوان قسمتی از خلاقیت هنریشان یا در ارتباط با آن انجام می‌دهند.

به نظر کیورپ (۲۰۱۱) عده‌ای بر آن هستند که نوع خاصی از تحقیق را به عنوان تنها شیوه واقعی پژوهش هنری معرفی کنند. همچنین این عده معتقدند که تحقیقات هنری می‌بایست تمام شرایط لازم برای تبدیل شدن به یک تحقیق علمی را دارا باشد. کیورپ سعی دارد به جای تطبیق تحقیقات هنری با تحقیقات علمی، به ما اثبات کند که تحقیق علمی یک چیز نیست و با اهداف و روش‌های گوناگون انجام می‌شود، بنابراین دلیلی ندارد که تحقیق هنری تنها یک چیز باشد. وی استدلال خود را بر پایه مفاهیمی بنا می‌کند که مستخرج از مباحث تاریخ علم و فلسفه علوم انسانی است.

کیورپ معتقد است که تحقیقات هنری متمرکز بر هنرمند است به خصوص که وی «دسترسی ویژه»^۳ به فرایندهای خلاقه‌ای دارد که در حین تحقیق هنری انجام می‌دهد. اما ضرورت ندارد محقق، هنرمند باشد تا **درباره هنر** (مانند تاریخ هنر) یا **برای هنر** (مانند تحقیق درباره تکنولوژی‌های در حال توسعه و قابل استفاده برای آثار هنری) تحقیق کند. وی اذعان می‌کند که «این دسته‌بندی را

^۳ در بیان فلسفی دسترسی ویژه اشاره به این نکته است که تنها خود فرد به احساسات و حالات درونیش واقف است و به آن دسترسی دارد و نه هیچ کس دیگر.



نقش خراساد در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

وام‌دار هنک بورگ دورف^۴ و کریستوفر فرایلینگ^۵ هستیم که از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و هنوز هم وجود دارد. به عنوان مثال شما در پیشگفتار کتاب «تحقیقات هنری، نظریات، روش‌ها و تمرین‌ها» (Hannula et al. ۲۰۰۵) با آن مواجه می‌شوید. جایی که هانس هدبرگ^۶ و میکا هانولا^۷ از موضوع ما این تعریف را ارائه می‌کنند: تحقیقات هنری بدین معناست که هنرمند یک کار هنری را تولید کرده و فرایندهای خلاقانه آن را مورد تحقیق قرار می‌دهد، بنابراین به بدنه دانش می‌افزاید.^۸

تحقیقات هنری در واقع «مطالعاتی بینشی»^۹ هستند؛ یعنی هنرمند با ثبت و ضبط تمام مراحل کار خود، در حین کار و تحقیق هنری سعی می‌کند بینش و درک خود از موضوع را وسعت دهد و یا اصلاح کند. هنرمند به دلیل دسترسی ویژه به روحیات و احساسات خود، به شرطی که قدرت تحلیلی مناسبی نیز داشته باشد، قادر است نکات ارزشمندی را از روند کار ثبت و ضبط کند. به عبارت دیگر، مطالعات بینشی راهی جهت مستند کردن دانش تجربی و بینش اخذ شده از انجام یک کار است.

بنابراین کیورپ یک معنای مهم تحقیق هنری را مطالعه فرایند خلاقیت می‌داند و برای این معنا مثال‌های بسیار خوبی از هنرمندان مختلف می‌آورد. منظور وی این است که هنرمند فرایند خلق اثر و مراحل گزارش نویسی و مستند کردن را به هم گره می‌زند. نتایج این تحقیق در کار هنری و گزارش مکتوب از فرایند آن قابل مشاهده است.

تولید دانش

بورگدورف (۲۰۱۱) معتقد است که تحقیقات هنری تولید علم می‌کنند. به گمان نویسنده تحقیقات هنری به دنبال ساخت دانش واضح و شفاف نیست بلکه دانشی را تولید می‌کند که پیش از مرحله تعقل است یعنی مفهومی نیست. این نوع از تحقیق شیوه‌ای از اندیشه است که کامل نشده و به همین دلیل از آزادی عمل بالایی برخوردار است و به خلاقیت گره می‌خورد. این نوع از دانش در حقیقت اندیشیدن در هنر، بوسیله هنر و با هنر است که می‌تواند امکانات تازه‌ای را بگشاید که البته در دانش رسمی احتمال رسیدن به آن بسیار اندک است. به این شکل، این دست تحقیقات هنری رابط بین فضای آکادمیک و هنر هستند.

در تحقیقات هنری، آثار هنری، چیدمان‌ها و اجراهای هنری بخش مهمی از تحقیق هستند. در هم تنیدگی نظر و عمل، خصوصیت متمایز دهنده تحقیقات هنری از تحقیقات نظری و یا دانشگاهی صرف است. به همین دلیل است که آنها را تحقیقات عمل-محور یا استودیوی (کارگاهی) می‌خوانند.

^۴ Henk Borgdorff

^۵ Christopher Frayling

^۶ Hans Hedberg

^۷ Mika Hannula

^۸ Kjörup, S. (۲۰۱۱). Pleading for Plurality: Artistic and Other kind of Research. In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge. P. ۲۴

^۹ perspective studies



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تمایز بین تحقیق در، برای و یا درباره هنرها اولین بار توسط فریلینک و بورگدورف^{۱۰} انجام شد و خود نشان دهنده تفاوت دیدگاهها در این زمینه است.

- تحقیق درباره هنرها^{۱۱}: تحقیقاتی که ضمن رعایت فاصله نظری خود با موضوع تحقیق به مطالعه آثار هنری و دیگر موضوعات هنری می‌پردازد. به عنوان مثال: تحلیل فرمی و محتوایی آثار هنری معاصر و یا تاریخی، مطالعه تطبیقی آثار و یا سبک‌های هنری
- تحقیق برای هنرها^{۱۲}: مطالعه مواد (مصالح) و تکنولوژی مورد استفاده در انواع فعالیت‌های هنری می‌پردازد. این تحقیقات بیشتر جنبه کاربردی برای هنرمندان دارد. در چنین مواردی فعالیت هنری مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد بلکه اهداف هنری و نحوه رسیدن به آنها مورد تحقیق علمی قرار می‌گیرد.
- تحقیق در هنرها^{۱۳}: نوعی از تحقیق است که هنرمندان انجام می‌دهند و طی انجام این نوع از تحقیق یک اثر هنری خلق می‌شود. به دیگر سخن تحقیق و مطالعه هم شکل دهنده فعالیت هنری است و هم راه رسیدن به یک بیان هنری ویژه. در این نوع تحقیق، هنرمند-محقق سعی می‌کند با هنر و بوسیله هنر به مطالعه موضوعی بپردازد و این مطالعه را مستند سازی کرده و گزارش کند. این دسته از تحقیقات ارتباط دهنده فضای دانشگاهی (آکادمیک) و هنری هستند. خصوصیت ویژه این تحقیقات اهمیت فعالیت هنری است که موضوع، اهداف، روش، زمینه و نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

باید دقت داشت که چرخش مهمی در نظریات معاصر درباره مفهوم «دانش» اتفاق افتاده است و آن هم توجه به رابطه بین «دانش» و «تجربه» است. به روایت این دست نظریات، دانش و تجربه برساخته فعالیت‌ها، کنش و برهم‌کنش‌های مداوم و جهت‌مند هستند. در تحقیقات هنری «کشف»، «کنش غیر مفهومی» (منظور نوعی از کنش است که با مفاهیم ثابت و از پیش تعیین شده و برنامه ریزی شده نیست) و «دانش بدنمند» در ارتباط است. (Schatzki et al, ۲۰۰۱)

بورگدورف (۲۰۱۱) به درستی اشاره می‌کند که در تحقیقات نظری صرف معمولاً هنر مورد مطالعه سیستماتیک و تاریخی قرار می‌گیرد و در این راه از نظریات مبنایی همچون ساختارگرایی، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، ساخت‌شکنی، مطالعات فرهنگی، پراگماتیسم و تحلیل فرهنگی استفاده می‌شود. هر کدام از این مبنایی نظری دیدگاه خاص خود را به موضوع دارد و می‌تواند مبنای نظری مناسب را برای مطالعه هنر فراهم کند. اما در تحقیقات هنری تجربه خلق و اجرا بر کل روند تحقیق احاطه دارد و ممکن است در هر قسمت از تحقیق موجب تغییر در مبنایی تحقیق شود. از این رو امکان ندارد که تحقیقات هنری را با یک مبنای نظری خاص پیش برد و انتظار داشت نتیجه همچون تحقیقات نظری صرف باشد.

تعارضی که بین این دو گونه تحقیق وجود دارد موجب شده است که قسمت زیادی از تحقیقات خوب هنری یا با شکست مواجه شود و یا به نتیجه مطلوب با توجه به ملاک‌های ارزیابی دانشگاهی نرسد. همچنین بودجه مناسب برای این دست از تحقیقات اختصاص نگیرد.

^{۱۰} Frayling (۱۹۹۲: cf. Borgdorff ۲۰۰۶)

^{۱۱} research on the arts

^{۱۲} research for the arts

^{۱۳} research in the arts



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

بورگدورف (۲۰۱۱) همچنین نشان می‌دهد که غیر مفهومی بودن و بدنمند بودن دانش در تحقیقات هنری روندی است که نشأت گرفته از نظریه پردازی‌های پیشین در زمینه هنر است. وی ریشه تحقیقات هنری کنوپی را در نظریات بومگارتن، کانت و آدرنو ردیابی می‌کند. به اختصار می‌توان گفت که نویسنده، بومگارتن را مبدع آزاد سازی دانش حسی می‌داند، کانت را مبدع این نظریه می‌داند که ایده زیبایی شناختی ارزشی فرهنگی دارد و آدرنو را نظریه پردازی معرفی می‌کند که بحث شناختی بودن هنر را مطرح کرده است.

انواع تحقیق

به ادعای بورگدورف (۲۰۱۱) تحقیقات هنری ارتباطی با هر دو نوع نگاه تحقیقاتی در علوم اجتماعی دارند؛ هم با تحقیقات کمی و هم با تحقیقات کیفی. به خصوص مطالعات قوم نگاری و تحقیقات کنشی^{۱۴}. استراتژی‌هایی که در این حوزه‌ها استفاده می‌شود می‌تواند به تحقیقات هنری و یا عمل-محور کمک موثری کنند از جمله مشاهده‌ای که خود محقق نیز در آن مشارکت دارد^{۱۵}، اجرای قوم نگاری^{۱۶}، مطالعات میدانی و محلی^{۱۷}، روایت زندگینامه‌ای^{۱۸}، توصیف مفصل^{۱۹}، تامل در کنش^{۲۰}، جستجوی مشارکتی^{۲۱}.

باید دقت کرد که تحقیق‌های کنشی^{۲۲} به منظور تسهیل و تغییر شکل نحوه انجام کار مشخصی انجام می‌شود و نسبت بسیار نزدیک با تحقیقات هنری دارد که هدف آنها نیز رسیدن به یک بیان هنری بهتر از نظر زیبایی شناختی است و در این مسیر به ثبت و ضبط روند کار می‌پردازند. این رویکردها به تحقیق ناشی از روندی است که چند دهه پیش در فضای آکادمیک رخ داده است با نام «چرخش عملی»^{۲۳} و شامل روی آوردن محققین به تحقیقاتی است که اجرا محور^{۲۴} باشند به جای تاکید بر متون علمی^{۲۵}.

همچنین تحقیق در هنرها نسبت نزدیکی با تحقیق از طریق طراحی (دیزاین) دارد. این نسبت هم در به کار گیری تکنولوژی و یافته های علمی-تکنولوژیکی جدید است و هم بازتعریف یا کاربردهای جدید برای وسایلی که از قبل وجود داشته‌اند. مطالعاتی که در کارگاه‌های هنری (استودیوها) انجام می‌شود، یافته‌های بسیاری برای خود هنرمندان دارد که جایی برای ثبت و ضبط این یافته‌ها در محیط دانشگاهی وجود ندارد تا این تجارب و دانش منتقل شود.

^{۱۴} منظور از تحقیقات کنشی فرایند جستجوی تعاملی است که برقرار کننده حالت تعادل بین حل مسأله و کنش هستند و معمولاً در محیط‌های مشارکتی و تعاملی انجام می‌شوند. در این تحقیقات هر مرحله از برنامه ریزی و اقدام نسبت به مسأله ای که ایجاد می‌کند با توجه به تحقیق در همان زمینه حل و فصل می‌شود.

^{۱۵} participant observation

^{۱۶} performance ethnography

^{۱۷} field study

^{۱۸} autobiographical narrative

^{۱۹} thick description

^{۲۰} reflection in action

^{۲۱} collaborative inquiry

^{۲۲} action research

^{۲۳} practice turn

^{۲۴} performance-centred research

^{۲۵} text-centred research



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

پس از بررسی همه جانبه تحقیقات هنری، بورگدورف (۲۰۱۱) تعریف خود را به این شکل ارائه می‌دهد: این دست از تحقیقات می‌تواند به دانش و درک ما از دنیا بیافزاید و این دانش و درک به شکل «بینش» و «معرفت» است با این چشم انداز که شامل‌پذیری، پذیرش و تعامل پذیری با موضوع مهمتر از رسیدن به یک دانش توصیفی است. این چنین مطالعه‌ای سعی دارد تجارب ما را تسهیل کند و غنا بخشد؛ تجارب و مهارتهایی که در اثر انجام دادن و مطالعه کنشی یک موضوع به دست می‌آید و با تمام وجود حس می‌شود.

به دیگر سخن، تحقیق هنری معانی مختلفی می‌تواند داشته باشد که تنها یکی از آنها مترادف تحقیقات دانشگاهی و یا علمی است. نکته مهم این است که تحقیق در هنرها تنها متعلق به یک گروه آکادمیک نیست و هنرمندان نیز سهم مهمی در این زمینه دارند که متاسفانه معمولاً در شیوه‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های ارتقا و یا ارزیابی دیده نمی‌شود. قسمتی از ناتوانی هنرمندان در انجام تحقیقات علمی و یا پایین بودن کیفیت تحقیقات ایشان مربوط به این واقعیت است که تواناییهای هنری آنها در نشریات و آئین‌نامه‌های ارزیابی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

دونین-ویژت (۲۰۱۱) اشاره به دو نوع تولید علم دارد و این صورت بندی نظری را وام دار کتاب مهمی با عنوان «تولید دانش جدید؛ ارتباط پویای علم و تحقیق در جوامع معاصر»^{۲۶} می‌داند. نوع اول همان رویکرد سنتی به تحقیق است و نوع دوم روشی است که هم اکنون در جوامع پیشرو علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نوع اول تحقیقاتی هستند که در آنها مسأله تحقیق در زمینه تحت کنترل علایق محققین حل و فصل می‌شود. در صورتی که در نوع دوم تحقیق، دانش در زمینه کاربردی آن تولید می‌شود. در نوع اول بیشتر در یک حیطه مطالعاتی مشخص و همگن است و نوع دوم فرا رشته‌ای و ناهمگون است. نوع اول تحقیقات از لحاظ سازمانی بیشتر عمودی هستند و سعی دارند این ساختار را حفظ کنند و نوع دوم تحقیقات بیشتر دوجانبه و ناپایدار هستند. همچنین برخلاف نوع اول، تحقیقات نوع دوم از لحاظ اجتماعی پاسخگو هستند و سعی می‌کنند انعکاسی یا تأملی باشند. این دست تحقیقات سعی دارند شرکت کنندگان بیشتر و ناهمگونی را به صورت موقتی در تحقیق دخیل کنند تا مسأله تحقیق بازتعریف شده و نسبت به زمینه تحقیق بومی و مشخص شود.

به گمان سالیوان (۲۰۱۱) تحقیق هنری نوعی ایجاد کردن یک نقشه سیماتیک از نحوه اندیشیدن است^{۲۷}. به عبارت دیگر در مطالعاتی که در استودیو انجام می‌شود، هنرمند-محقق قصد دارد چیزی بگوید درباره چیزی و با مخاطب خاصی. بنابراین نتیجه این تحقیق را می‌توان به عنوان چشم اندازی از اهداف، فرضیات و تمرین‌ها قلمداد کرد. به این شکل تحقیق هنری دایره تحقیق خود را محدود (به فرضیات، اهداف و یا سوالات خاصی) نمی‌کند و نسبت به احتمال تغییر تعصبی ندارد. این مهم در جهت رسیدن به بهترین بیان تصویری و یا هنری ممکن است. سر آخر، وی چنین نتیجه گیری می‌کند:

^{۲۶} Elzinga, A. *The New Production of Knowledge. The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies.*

^{۲۷} Mika Hannula. ۲۰۰۴



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی

- محقق-متخصص (هنرمند) کسی است که در نقش خالق، منتقد و نظریه پرداز، استراتژیهای شناختی-تصویری متعددی استفاده می کند، مرزهای حیطه های مطالعاتی را جا به جا می کند، قراردادهای رسانه ای (ارتباطی) را نادیده می گیرد و منافع سیاسی را مختل می کند.
- دیدن، تجربه کردن و اندیشیدن در زمینه هنری، فرایندهای شناختی را فعال می کند که در عین حال فیزیکی و ذهنی هستند. زمانی که هنرمند می اندیشد، تصوراتش همزمان در رسانه، زمینه و زبان است و انواع کنش های خلاقه و انتقادی در ساختار بصری ذهنش به هم متصل شده و پخش می شود. همچنین موقعیت ها و تنظیمات مختلفی در ذهنش شکل می گیرد تا منجر به تولید تصاویری شود که بیانی هنری دارند. به این شکل شناخت هنری نوعی از شناخت انسانی است که در عمل هنری تجسم یافته است. این شناخت فرایندهای خلاقه و انتقادی متعددی را با همگرایی ذهن و ماده ترکیب می کند.
- گزینه تصویری که انگیزه خلاقانه ایجاد می کند، پیوسته فرآیندی در حال تغییر و پویا است که ظرفیت اتصال مفاهیم، اشکال و زمینه های مختلف را دارد. همچنین تحریک کننده یک جستجوی ذهنی است که درون و یا فراتر از پارامترهای سیستم های دانش کنونی رخ می دهد. از این منظر تحقیق هنری یک مفهوم پسا رشته ای است.

جمع بندی

امروزه تحقیق را می توان در بسترهای مختلف کارکردی آن با توجه به اهداف و سطوح مختلف تعریف کرد. این تغییر و تحولات همچنین با تغییراتی که در برداشت نظریه پردازان از «دانش» و روش های «تولید دانش» پیش آمده است همساز است. دانش مبتنی بر متن، گزاره و چپستی و چرایی یک موضوع، امروزه رقیب جدیدی به خود می بیند که دانشی است مبتنی بر کنش، عمل و پرسش از چگونگی انجام یک کار، موضوع یا برنامه. به همین دلیل است که نیاز بیشتری به تحقیقاتی حس می شود که انتقال دهنده دانش از نوع تجربی باشند.

در تحقیقات آکادمیک سوالات، اهداف، روش تحقیق، پیشینه و همچنین مبانی نظری تحقیق باید کاملاً مشخص شود و سپس محقق به جمع آوری داده ها و تحلیل آنها بپردازد تا بتواند نتایج را گزارش کند. هر گام از تحقیق به دقت برنامه ریزی شده و سعی می شود متغیرهای تحقیق به دقت کنترل شوند. نتایج نیز باید تکرار پذیر باشند و تا حد قابل قبولی روایی و پایایی داشته باشند. این دست تحقیقات و نتایج آنها در مجلات و پایگاه های علمی منتشر می شوند و در اختیار قرار می گیرند.

همچنین باید در نظر داشت که انتقال دانش تجربی نیز به اندازه دانش نظری مورد نیاز است و با توجه به تحولات کنونی دنیا این نیاز رو به افزایش است. در کنار این تحولات استقبال از رشته های دانشگاهی هنری، بیشتر شدن دانشگاه هایی که خدمات آموزشی در زمینه هنر می دهند، تعداد بالای اساتید در رشته های هنری و زیبایی شناختی این مسأله را شکل داده است که این افراد در کنار نیاز به بستر مناسب جهت انتقال دانش نظری خود، نیازمند بسترهای دانشگاهی مناسب جهت انتقال دانش تجربی و هنری خود نیز هستند.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

به این سان ضرورت توجه به تحقیقات هنری نتیجه دو عامل مهم است. اول، تغییر تعاریف علمی از مفهوم دانش و دوم نیاز محققین و هنرمندانی که دانش تجربی به دست آورده‌اند و قصد انتقال آن را دارند و همچنین نیاز دارند در نظام دانشگاهی مورد ارزیابی آکادمیک قرار بگیرند.

تحقیق هنری اصطلاحی نسبتاً جدید است و موافقین و مخالفین در خوری دارد. اما بیش از آنکه تعداد مخالفین این دست تحقیق‌ها زیاد باشد، مسأله این است که تحقیق هنری چیست؟ چه ملاک‌هایی برای تحقیق وجود دارد؟ به چه شکل می‌شود نتایج تحقیقات هنری را در نظام دانشگاهی ادغام و ارزیابی کرد؟

در مورد سوال اول باید به تمایز بین تحقیقات کنشی و چریکی با تحقیقات دانشگاهی اشاره کرد. همچنین باید یاد آور شد که تحقیق در هنرها، تحقیق برای هنرها و تحقیق بوسیله هنر از یکدیگر متمایز هستند. تمایز مهم دیگر این است که دانش نظری چه خصوصیتی دارد و چطور قابل انتقال است و دانش تجربی چه خصوصیتی دارد و چطور قابل انتقال است. در این موارد اندک توضیحاتی در همین نوشته مرور شد و برای تکمیل اطلاعات خواننده می‌تواند به دانشنامه راتلج درباره تحقیق در هنرها و یا کتاب شناخت هنر^{۲۸} مراجعه کند.

درباره تحقیق‌های هنری به شکل خلاصه می‌توان گفت که شامل چند دسته تحقیقات می‌شوند که مهمترین آنها تحقیقاتی هستند که محقق-هنرمند انجام می‌دهد. در این دست تحقیقات هنرمند، هنر را وسیله جستجو و کشف دانش تجربی می‌کند و در این مسیر تمام تغییرات بینشی خود را ثبت و ضبط می‌کند. نتیجه این دست تحقیقات یک اثر هنری است به همراه یک سند مکتوب از سیر پیشرفت هنرمند-محقق درباره یک موضوع خاص. البته باید در نظر داشت که به نظر کندی و ادموند (۲۰۱۱) برخی از هنرمندان به صورت سیستماتیک به جستجو و تأمل درباره راه‌ها، فرایندها، ساختارها و مصالح ممکن (جایگزین) می‌پردازند و این کار را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از تمرین‌های هنری خود می‌دانند. گروه دیگری از هنرمندان فرصت یا بیان هنری ممتازی را به همراه رسانه‌ای خاص می‌یابند و تمام عمر هنری خود را صرف همان می‌کنند.^{۲۹}

همچنین بولت (۲۰۰۶) معتقد است که نظریه پردازی بر اساس عمل از به کارگیری نظریه در عمل بسیار متفاوت است. هر دو این رویکردها بخشی از تحقیق‌های عمل محور هستند، اما باید توجه داشت که هر کدام (نظریه یا عمل) می‌تواند به توسعه در حیطه دیگر منجر شود. سالیوان (۲۰۰۵) عمل هنری به عنوان تحقیق را اینطور توضیح می‌دهد «ساختن در یک سیستم که از حیطه‌های علمی مشخص فراتر می‌رود و وارد حیطه‌هایی از جستجو می‌شود که با یکدیگر ارتباط و تعامل دارند و نیازمند راه‌های جدید برای صورت بندی مفهومی فرم و ساختار هستند».^{۳۰}

^{۲۸} Kieran, M., McIver Lopes, D. (Eds) (۲۰۰۶). *Knowing Art, Essays in Aesthetics and Epistemology*, Springer

^{۲۹} ۱۲۰

^{۳۰} ۱۲۲



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

سند مکتوبی که به همراه اثر هنری منتشر می‌شود بسیار مهم است همانطوری که بگیز (۲۰۰۳) ادعا دارد که اثر هنری و فهم تنها در یک زمینه مشخص امکان دارد و اثر هنری بدون متن را نمی‌توان یک تحقیق در نظر گرفت. و همین سند است که می‌تواند در نشریات دانشگاهی و پایگاه‌های علمی به عنوان تحقیق هنری منتشر شود. بیشتر هنرمند حتی هنرمندانی که از مهارت‌های هنری خوبی برخوردار هستند و هنر را وسیله تحقیق می‌کنند و دانش تجربی قابل ملاحظه‌ای را ایجاد می‌کنند، از ارزش و اهمیت مستند کردن و گزارش تهیه کردن برای تحقیق خود مطلع نیستند. به همین دلیل است که بسیاری از دانش تجربی تولید شده توسط این گروه از افراد قابل انتقال نیست. البته در کنار این مسأله باید به این موضوع نیز اشاره کرد که نشریات علمی نیز هنوز بسترهای مناسب جهت انتقال این نوع از دانش را مهیا نکرده‌اند. یعنی نیاز است که روش‌ها و بسترهای جدید و ابداعی برای هنرمندان فراهم شود جهت ارائه گزارشات و نکته نظرات خود به صورت اسناد علمی. مصاحبه با رسانه‌ها در میان هنرمندان بسیار شایع است اما بستر کافی نیست و سندیت علمی بالایی ندارد. هنرمندان و حتی نظریه پردازان در زمینه هنری نیاز به بسترهای جدید برای گزارش نتایج تحقیقات هنری خود دارند که فارغ از حدود تنگ و سختگیرانه یک نوشته علمی در قالب مقاله باشد. برخی از این بسترها می‌تواند شامل چاپ و نشر متن‌های کوتاه و گزارش مانند از تجربیات هنری، نقطه نظرات زیبایی شناختی و گزارش از مباحثات هنری در مجلات دانشگاهی باشد.

پیشنهاد

پایان نامه های کارشناسی ارشد و یا دکتری در رشته‌های هنری می‌تواند شاهد تغییراتی باشد با توجه به تعاریف جدید از دانش و قابلیت‌های حیطه هنر. ادموند و کندی (۲۰۱۰) در یک تحقیق مفصل برنامه‌های دکتری در چند دانشگاه را مورد مطالعه قرار داده‌اند و سعی کرده‌اند ساختارهای آموزشی و پیشرفت افراد را بررسی کنند.^{۳۱} در این بررسی محققین چهار برنامه مختلف را در دانشگاه‌های متفاوت تشخیص داده و نتیجه هر کدام را با هم مقایسه کردند: در مواردی صلاحیت برای اخذ دکتری تنها با انجام یک کار هنری ممکن بوده است، در برخی دانشگاه‌ها کار هنری به همراه یک متن انتقادی و گزارش از روند کار، در مواردی ارائه کار هنری به همراه پایان نامه و در مواردی دیگر تنها یک پایان نامه.^{۳۲}

با توجه به مباحث مطرح شده در دانشنامه تحقیق در هنر و همچنین تجربه راهنمایی و داوری پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، پیشنهاد زیر مطرح می‌شود. مطمئناً این پیشنهاد نکات قوت و ضعفی دارد که البته در هر گروه آموزشی و دانشگاه خاصی می‌تواند تغییراتی داشته باشد.

یافتن موضوع و نگارش پروپوزال تنها با شناخت استاد از دانشجو و ویژگی‌های شخصیتی و هنری وی ممکن است. دانشجو پس از استفاده از تکنیک *journal writing* یعنی ثبت جریان سیال ذهن، و بحث و گفتگو با استاد راهنما به چند پیشنهاد درباره موضوع می‌رسد. سپس با طراحهای اولیه فرایند را ادامه می‌دهد و به عنوان پروژه دست پیدا کند. در این روش به پایان نامه به عنوان یک **پروژه هنری** نگریسته می‌شود که دانشجو بایستی در طی این پروژه با استفاده از فهرست منابعی که از جانب استاد مشخص می‌شود

^{۳۱} ۱۲۷

^{۳۲} ۱۳۴



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

و کار در استودیو به تغییر دیدگاه (بینش) دست پیدا کند و این تغییر در شناخت را ثبت و ضبط کرده و نتیجه را به شکل گزارش به گروه آموزشی ارائه دهد.

پایان نامه شامل دو قسمت نظری و عملی به صورت میانگین بین ۳۰ تا ۴۰ صفحه است. در بخش اول (نظری) دانشجو به صورت تقریبی ۵ تا ۱۰ منبع اصلی معرفی شده از جانب استاد را مطالعه می‌کند و برای هر منبع در حدود یک صفحه گزارش تهیه می‌کند. در انتهای بخش اول دانشجو باید متنی در حد دو صفحه، نتیجه مطالعات نظری را جمع بندی و به یافته‌های شخصی اشاره کند. بخش دوم همزمان با بخش اول نگارش می‌شود و در حد حدود ۱۰ الی ۲۰ صفحه به گزارش روند کار بر روی پروژه عملی می‌پردازد؛ از مراحل اول یعنی ثبت جریان سیال ذهن تا طرح‌های اولیه، تغییرات در پروژه، یافته‌های شخصی، تکنیک‌های استفاده شده، تغییر دیدگاه شخصی و گفتگو و مصاحبه‌های احتمالی با محققین و یا هنرمندان دیگر. در پایان بخش دوم معرفی اثر، بیانیه و نام آن ذکر می‌شود. ارائه کار بخشی از روند کار است و به اندازه خود آن مهم بوده و بایستی به دقت برنامه ریزی شود. ارزیابی این پروژه با توجه به ملاک‌هایی از این قبیل است: یافته‌های نظری، هنری و شخصی دانشجو، تا چه حد یافته‌ها بدیع است، کار عملی تا چه حد بدیع تولید و ارائه شده است، تغییر دیدگاه هنرمند به چه شکلی بوده است.

فهرست منابع

Biggs, M. , B.chler, D. (۲۰۱۱) Communities, Values, Conventions and Actions, In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Borgdorff, H., The Production of Knowledge in Artistic Research, In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Candy, L., Edmonds, E. (۲۰۱۱). The Role of the Artefact and Frameworks for Practice-based Research, In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Dunin-Woyseth, H. (۲۰۱۱). Some Notes on Mode ۱ and Mode ۲: Adversaries or Dialogue Partners?, In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Elzinga, A. (۱۹۹۷). *The New Production of Knowledge. The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies*. Springer

Frayling, C. (۱۹۹۳). *Research in Art and Design*, London: Royal College of Art.

Hannula, M., J. Suoranta and T. Vad. (۲۰۰۵). *Artistic Research: theories, methods and practices*,



Gothenburg, Sweden: Academy of Fine Arts Helsinki, and Gothenburg University.

Hannula, M. (۲۰۰۴). River Low, Mountain High. Contextualizing artistic research, in: Balkema, A.W. and H. Slager, (eds) *Artistic Research*, Amsterdam: Rodopi B.V., ۷۰-۹.

Kjørup, S. (۲۰۱۱). Pleading for Plurality: Artistic and Other kind of Research. In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Kieran, M., McIver Lopes, D. (Eds) (۲۰۰۶). *Knowing Art, Essays in Aesthetics and Epistemology*, Springer

Kalvemark, T. (۲۰۱۱). University Politics and Practice-based Research, In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Sullivan, G., Artistic Cognition and Creativity, In: Biggs, M. Karlsson, H. (Eds). *The Routledge Companion to Research in The Arts*. Routledge

Schatzki, T.R., K.K. Cetina and E.v. Savigny (۲۰۰۱). *The Practice Turn in Contemporary Theory*, London: Routledge.